

مقایسه نظرات علامه طباطبایی و رشیدرضا در مورد مرجعیت علمی قرآن

*سهیلا فهیمی

چکیده

مساله مرجعیت علمی قرآن به طور عام از آغاز نزول قرآن مطرح بوده است. از جمله موضوعاتی که باور به مرجعیت علمی قرآن کریم را تقویت می‌کند، طراحی مکتبی جامع، استوار و قیم و در تناظر با دیگر کتاب‌های آسمانی یا دیگر شرایع است. بدون شک قرآن منشا پیدایش دانش‌های گوناگون و موجب بسط و توسعه بسیاری از دانش‌ها بوده است؛ اما «مرجعیت علمی قرآن» در اصطلاح رایج از مسائل نوظهور در مطالعات قرآنی است که در دهه‌های اخیر، هم‌زمان با نهضت بازگشت به قرآن از سوی متفکران مسلمان مطرح و تعریف‌های بسیاری هم برای آن ارائه شده است. پس با توجه به اهمیت این موضوع در این پژوهش به بررسی دیدگاه‌های علامه طباطبایی و رشیدرضا درباره مساله مرجعیت علمی قرآن کریم پرداخته شده است.

براساس نتایج این پژوهش، علامه قائل به مرجعیت نسبی قرآن هستند نه مطلق. رشیدرضا نیز در بعضی از مسائل از جمله هدایتگری و بعد تربیتی قرآن با علامه هم‌نظر است ولی در مصداق آیات اختلاف نظرهایی بین دیدگاه‌های این دو مفسر مشاهده می‌شود.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، مرجعیت علمی، علامه طباطبایی، رشیدرضا.



طرح بحث

آموزه های پرشمار قرآنی و روایی، آدمیان را به تلاوت، تفکر و فهم آیات قرآن فراخوانند و پیروی از دستورات آن را از ملزومات تحقق آرمان های متعالی انسان می دانند. بشر برای تعیین قلمرو و مأموریت قرآن کریم در پاسخگویی به انواع خواسته ها و نیازهای علمی خود دیدگاه های متفاوتی مطرح کرده است؛ اما برای دستیابی به پاسخ این پرسش که قلمرو و مأموریت پاسخگویی علمی قرآن تا کجاست؛ باید انواع خواسته ها و نیازهای او مورد بررسی قرار بگیرد.

با توجه به اینکه قرآن تنها کتابی است که از تحریف مصون مانده است و همچنین اینکه بیان کننده همه چیز و سرچشمه هدایت است و از انسان می خواهد تا پاسخ پرسش های خود را در آن بجوید و دردهای خود را با آیه های آن التیام ببخشید پس با توجه به نقش بی بدیل قرآن در زندگی انسان ها، تعیین گستره آن را باید از مهم ترین مبانی روش شناختی تفسیر دانست؛ یعنی اگر مرجعیت علمی قرآن در همه حوزه ها به اثبات رسید، می توان گفت هدف دین نیز ترسیم شده است و در صورت اثبات نشدن این گزاره، باید پذیرفت مأموریت ها یا قلمرو قرآن محدود به حوزه های خاصی است.

اعتقاد به مرجعیت علمی قرآن کریم تابعی از اعتقاد به جامعیت آن است. پس اگر بتوانیم جامعیت قرآن را ثابت کنیم اثبات مرجعیت این کتاب آسمانی دشوار نخواهد بود. این مبنای تفسیری از سوی هیچ یک از مفسران قرآنی مغفول نمانده است؛ هرچند عده ای از آن ها به بررسی مشروح مرجعیت علمی قرآن نپرداختند.



پیشینه گستره مرجعیت علمی قرآن

مسئله گستره مرجعیت علمی قرآن به آغاز نزول آن باز می‌گردد، زیرا قرآن حاوی آیاتی است که با صراحت درباره گستره قرآن سخن گفته‌اند، از این رو در تأملات مفسران و قرآن پژوهان، درباره این آیات همواره مدار توجه بوده است. اهمیت و ضرورت این موضوع از آن روست که مفسران باید بدانند در قرآن، کدامین دانش را جست‌وجو کنند و پاسخ کدامین پرسش بشر را از قرآن پیدا کنند.

مقالات متفاوتی درباره مرجعیت علمی قرآن تا به حال کلر شده است از جمله: «رابطه مرجعیت علمی قرآن با جهان شمولی» تألیف: محمدحسن طوسی و همچنین «مرجعیت علمی قرآن در حوزه علوم انسانی» تألیف عبدالرئوف عالمی و... ولی هیچ کدام از این مقالات به بررسی تفاوت نظر علامه طباطبایی و رشیدرضا درباره مرجعیت علمی قرآن کریم نپرداخته است ولی این پژوهش سعی دارد به بررسی نظرات این دو مفسر درباره مرجعیت علمی قرآن کریم بپردازد.

الف. مفهوم شناسی

۱. مرجعیت در لغت

واژه (مرجعیت) مصدر جعلی از اسم مکان است و از ماده رجع به معنای بازگشتن است. (ابن منظور، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴۱)

و ذیل آیه «ثُمَّ أَنْ مَرَجِعُهُمْ لِأَلِي الْحَجِيمِ» (صافات/ ۶۸)

تقریباً همه مترجمان فارسی، آن را به معنای بازگشت، یا محل بازگشت ترجمه کردند. در متون لغوی هم به این معنا اشاره شده است. مبدأ اشتقاق این واژه ماده (رجع)



است که معنای مخالف (ذهب) دارد و هماهنگ با معنای (عاد) است. با این تفاوت که (رجوع) معنای عام تر از (عود) دارد و هرگونه بازگشتی را در برمی گیرد. (مصطفوی، ج ۴، ص ۶۵)

مانند بازگشت به مکان سابق یا هر مکانی «لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ»

بازگشت به مردم «وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ»

بازگشت به خدا «ثُمَّ أَلَىٰ مَرْجِعِكُمْ»

بازگشت به عقیده حق یا از عقیده حق «وَبَلَّوْنَا هُم بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ

يَرْجِعُونَ»

پس مرجعیت لزوماً به معنای بازگشت به مکان یا امر سابق نیست، بلکه هر نوع بازگشتی را در برمی گیرد.

در برخی دیگر از منابع لغوی معانی ذیل برای واژه مرجع بیان شده است:

(الف) صاحب نظری که برای نظر خواهی و رفع مشکلات و پاسخ پرسش ها به او مراجعه می شود، مانند مرجع تقلید.

(ب) منابعی که برای دسترسی به اطلاعات و آگاهی هایی به موضوعات گوناگون به آن مراجعه می کنند.

(ج) واژه ای است که ضمیر به آن برمی گردد. (انوری، ج ۷، ماده رجع)

۲. علم در لغت

علم در لغت مصدری است به معنای درک حقیقت چیزی، دریافت، شناخت و دانش

است. (لویس معلوف، ج ۲، ص ۵۲۶)



علم در عرصه‌های لغوی دارای معانی گسترده‌ای است و شامل هر نوع آگاهی و دانشی اعم از اسلامی، انسانی و تجربی می‌شود. معنای اصلی و نخستین علم، دانستن در برابر ندانستن است. قرآن کریم به این معنا اشاره دارد که

«هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر / ۹)

آیا یکسان‌اند آنان که می‌دانند و آنان که نمی‌دانند.

از این منظر به همه دانستنی‌ها صرف نظر از نوع آن‌ها علم گفته می‌شود. و مقصود از علم در این پژوهش، آگاهی‌های سامان یافته درباره موضوعات بر اساس فهم بشر است؛ در این آگاهی‌ها دو ویژگی نظام یافتگی و بشری بودن مدار توجه قرار گرفته است.

ب. مرجعیت علمی قرآن و رابطه آن با جامعیت قرآن

مسأله مرجعیت قرآن به طور عام از آغاز نزول قرآن مطرح بوده است. بدون شک قرآن منشأ پیدایش دانش‌های گوناگون و موجب بسط و توسعه بسیاری از دانش‌ها بوده است؛ اما «مرجعیت علمی قرآن» در اصطلاح رایج از مسائل نوظهور در مطالعات قرآنی است که در دهه‌های اخیر، هم زمان با نهضت بازگشت به قرآن از سوی متفکران مسلمان مطرح و تعریف‌های بسیاری هم برای آن ارائه شده است.

در تعریف نخست برخی قرآن را منبعی مورد اعتماد برای همه دانش‌های بشری دانسته‌اند که می‌توان اهداف، مبانی، اصول و روش‌های دانش‌های بشری را از آن به دست آورد؛ چنان که می‌توان قرآن را معیاری برای اثبات و ابطال نظریه‌های گوناگون علمی به معنی حاکمیت الزامات قرآنی بر همه دانش‌های بشری به منظور جهت‌دهی انسان در مسیر تکامل حقیقی است، به بیان دیگر مرجعیت علمی قرآن به معنی پذیرش حاکمیت قرآن در نگرش‌های اعتقادی و کنترل کنش‌های انسانی در زمینه حکمت علمی،



و جاری شدن روح توحید در ابعاد گوناگون دانش بشری است.

با توجه به اینکه تعیین محدوده معنا و مصدر بودن قرآن، نیازمند تبیین واژگانی مانند «جامعیت» است، باید این واژه نیز بررسی شود تا نسبت میان این دو واژه روشن شود. نظریه جامعیت قرآن برگرفته از شماری از آیات قرآن است که تقریباً همه مترجمان فارسی، ذیل این آیات مانند:

«رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخَلِّفُ الْأَمْعَادَ» (آل عمران / ۹) و «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل / ۸۹) و آیات مشابه، معنای گردآوری و جمع

کردن را ترجیح داده‌اند. (ترجمه آیه مورد نظر مکارم شیرازی، رضایی اصفهانی و...)

واژه جامعیت، مصدر جعلی از ریشه (جمع) به معنای گردآوری امور جدای از یکدیگر است. (ابن فارس، ج ۱، ص ۴۷۹) هنگامی که واژه جامعیت وصف چیزی قرار بگیرد، هدف و حکمت وجودی آن چیز می‌تواند گستره و معنای جامعیت را درباره آن چیز روشن کند. جامعیت یک چیز همواره وابسته به هدفی است که آن چیز برای آن هدف به وجود آمده است؛ از این رو زمانی می‌توان از جامعیت امری سخن گفت که هدف مورد نظر به طور کامل تحقق یابد؛ بنابراین تنها پس از دستیابی به هدف نزول قرآن می‌توان از معنای جامعیت قرآن سخن گفت؛ زیرا جامعیت قرآن نیز مرهون میزان توانایی این کتاب در تحقق اهدافی است که خداوند از نزول قرآن اراده کرده است. پس کتابی که همه چیز در آن گردآوری شده است از جمله تمام مایحتاج علمی و روشی فرد و جامعه برای کمال یافتن در زندگی مادی و معنوی است، این همان معنای جامعیت علمی قرآن است.

با توجه به معنای جامعیت، نسبت آن با مرجعیت به این صورت است که جامعیت به کمال و تمامیت ذاتی قرآن قطع نظر از امکان مراجعه به آن، توجه می‌کند؛ اما مرجعیت علاوه بر شامل شدن معنای جامعیت، برامکان مراجعه به آن نیز تأکید می‌کند؛ به عبارت



دیگر اگر به قدرت و توانمندی علمی قرآن در نسبت با مخاطبان یا متقاضیان توجه شود، می‌توان آن را به معنای پاسخگویی به نیازها و انتظارات مخاطبان و مراجعه‌کنندگان دانست؛ اما اگر از زاویه عرضه به آن نگریسته شود، می‌توان آن را به معنای منبعی دارای جامعیت و شایستگی‌ها و نوآوری‌های لازم و رقابت‌پذیر، اعلم، خلاق و بنیان‌گذار تعریف کرد.

۱. مبنا و کارکردهای علمی قرآن از نگاه علامه طباطبایی

برای پردازش و کاوش در منبع و مرجع بودن قرآن از منظر علامه طباطبایی، لازم است آن را در قالب «کارکردهای علمی قرآن» ارائه کنیم؛ به این معنا که قرآن کریم در حوزه‌های مختلف نیازهای بشری، چه کارکردهای علمی دارد. طبیعتاً هرکارکرد علمی‌ای که برای قرآن کریم اثبات شود، لاجرم مرجعیت علمی قرآن در همان کارکرد، قابل اثبات خواهد بود. با این مبنا مسأله کارکردهای علمی قرآن کریم از نگاه علامه را بررسی می‌کنیم و شواهدی از آیات مبنی بر اعتقاد ایشان بر مرجعیت علمی قرآن می‌آوریم.

با بررسی آثار علامه طباطبایی به ویژه تفسیر المیزان ایشان می‌توان به کارکردهای علمی مختلف قرآن کریم به خصوص در حوزه روش‌پردازی دست یافت. گرچه در این آثار به این کارکردها تصریح نشده است، ولی پیدا کردن آن‌ها چندان دشوار نیست و حتی به برخی از این کارکردها به صورت پیاپی و غیر صریح اشاره شده است از جمله:

– شیوه‌های جدید در تربیت

یکی از نوآوری‌های قرآن، ارائه روش تربیتی و هدایتی است که به تعبیر علامه این روش قرآن در هیچ‌یک از کتاب‌های آسمانی، و حتی فلسفی و یا نگاهشده‌های مصلحان و حکمای تاریخ سابقه ندارد.



این روش مبتنی بر القای علوم و معارف بر دل‌ها و جان‌ها است، به طوری که راه رذایل اخلاقی بسته می‌شود. علامه در توضیح این روش تأکید می‌کند هرکاری که انسان برای غیر خدا انجام می‌دهد، یا برای به دست آوردن عزت و منفعتی است یا برای دور شدن از ترس.

قرآن در امتداد این تمایل انسانی، همه منفعت‌ها و عزت‌ها را در خدا منحصر کرده است (یونس/ ۶۵) و همه نیروها را خاص خداوند شمرده است. (بقره/ ۱۶۵)

پس انسان خداپاور هیچ وقت دنبال جلب توجه دیگران نمی‌رود و این عزت‌ها و قدرت‌ها در خداوند، زمینه‌ای برای آراسته شدن انسان به صفات فضیله و دور ماندن از رذایل اخلاقی می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۶۰)

از نگاه علامه انسانی که در دامان چنین روش تربیتی قرار گرفته هیچ‌گاه «غیر وجه خدای تعالی را اراده نمی‌کند و در برابر هیچ قدرتی خضوع نمی‌کند، امید به چیزی نمی‌بندد، از چیزی خوشحال نمی‌شود، به چیزی توکل و تکیه نمی‌کند، در برابر چیزی تسلیم نمی‌شود و نیز امور خود را واگذار نمی‌کند مگر به خداوند متعال.»

علامه شواهدی از آیات قرآن کریم در این زمینه تربیتی می‌آورد از جمله آیه:

«وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا لِيهِ رَاجِعُونَ» (بقره/ ۱۵۶)

این آیه و امثال آن مشتمل بر معارف خاص الهی است که نتایج ویژه‌ای را در بردارند. معارفی که نوع تربیت آن با شیوه تربیت هیچ یک از حکمای اخلاقی شباهتی ندارد و حتی با طریقه تربیتی انبیا الهی هم هیچ شباهتی ندارد... این مسلک تربیتی مبتنی بر توحید خالص و کاملی است که مختص دین اسلام است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۵۹)

از این بیان صریح علامه می‌توان دریافت که ایشان در حوزه روش‌پردازی قرآن کریم در تعلیم و تربیت، نقشی جامع و مرجع برای این کتاب قائل است و آن را سرآمد همه



متون دینی و فلسفی در ارائه روش‌های مناسب تربیتی قلمداد می‌کند.

- استواری و اقوم بودن هدایت‌های قرآن

از کارکردهای علمی قرآن کریم که باور به مرجعیت علمی این کتاب را تقویت می‌کند، طراحی مکتبی جامع، استوار و قیم در تناظر با دیگر کتاب‌های آسمانی یا دیگر شرایع است.

این اعتقاد عمدتاً با تحلیل آیه «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ» اثبات شده است. قرآن و هدایت‌های آن از این جهت اقوم است که در آن هم خیر دنیا و هم خیر آخرت انسان‌ها به مقتضای فطرت انسانی و خلقت او تسلیم شده است و تمام ابزار لازم برای هدایت‌های معاد و معاش وی به تناسب نیازهای فطرت و خلقت وی طراحی شده است. و علامه معتقد است که اقوم بودن هدایت‌های قرآنی به طور خاص در مقابل دو نوع هدایت دیگر توجه می‌کند: هدایت‌های مکاتب مادی و هدایتگری دیگر شرایع. هدایت مکاتب مادی از حیث اینکه جامع همه هدایت‌ها و نیازهای انسانی نیست ناقص است.

این در حالی است که هدایت‌های قرآنی جامعیتی برخوردار است که همه نیازها و امیال را چه در حوزه حیات مادی و چه در حوزه حیات معنوی و اخروی تدارک می‌کند، بدون آنکه ضرری متوجه انسان شود یا خیری از او دور شود؛ اما اقوم بودن هدایت‌های قرآنی در مقایسه با دیگر شرایع از این حیث که قرآن تمامی معارف الهی را تا آنجا که بنیه بشری طاقتش را دارد و همچنین تمامی شرایعی را که بشر در زندگی خود به آن نیازمند است تدارک دیده و حتی عملی از اعمال فردی و اجتماعی بشر را بدون حکم نگذاشته است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۳، ص ۴۷)

همین معنا را علامه در ذیل مفهوم «مهیمن» در آیه ۴۸ سوره مائده برداشت کرده

است.



– نظام سیاسی و اجتماعی

علامه در تفسیر میزان، نظام بر ساخته اسلام و قرآن کریم را مناسب‌ترین نظام برای هماهنگی با عقل و فطرت آدمی معرفی می‌کند و بر وجود ضمانت‌های اجرایی در این نظام اصرار می‌ورزد.

از جمله مواردی که در تبیین ماهیت نظام سازی دین و قرآن در حوزه‌های مختلف است و علامه بیان می‌کنند عبارت‌اند از:

۱- در حوزه تشکیل ملت و دولت ۲- در حوزه تأکید بر زندگی اجتماعی ۳- در حوزه قوانین و ضمانت اجرایی ۴- در حوزه اخلاق فردی و اجتماعی ۵- راهنمایی برای تفکر و... (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۴، ص ۱۱۸)

علامه با بیان این مقدمات، به این نتیجه می‌رسد که فهم علوم مکنون در قرآن مبتنی بر فهم آن علم در بیرون از قرآن است. علامه برای اقناع بیشتر، گفتار کسانی که فهم معارف قرآن را بی‌نیاز از فهم دیگر علوم می‌دانند، به جاهلی تشبیه می‌کند که حاضر به علم‌آموزی نیست و زمانی که علت این امر را می‌پرسند، جواب می‌دهد خمیرمایه همه علوم در فطرت انسان است و نیازی به آموختن آن از بیرون نیست. از این شبیه‌سازی علامه می‌توان به نکته‌ای دست یافت که علامه به نوعی قائل به دیالتیک میان متن و بیرون متن است؛ به این معنا که قرآن کریم از هر جهت کامل و جامع است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۵، ص ۲۵۸)

– حل مخاصمات فطری بشر

از دیگر کارکردهای علمی قرآن رفع اختلافات میان انسان هاست و در این میان اجتماعاتی که از تعالیم و حیانی و حضور انبیاء الهی را بهره مند بوده‌اند، به کمال دست‌یافته و از شر اختلافات نجات یافته‌اند. علامه با استناد به عقل و تجربه بشر، این



دیدگاه را اثبات می‌کند؛ چون دعوت به اصل «عقاید حقه»، «اخلاق فاضله»، «اعمال نیک» است و صلاح عالم انسانی هم لاجرم در همین سه است. (طباطبایی، ۱۳۵۳: ج ۲، ص ۱۵۱)

این نیز یکی دیگر از نمونه‌های قدرت علمی قرآن کریم است که علامه بر آن تأکید می‌کند و می‌تواند شاهدهی باشد برای اعتقاد ایشان به مرجعیت علمی قرآن دست کم در حوزه تربیت و هدایت.

– قانون‌گذاری در قرآن بر اساس مصالح و مفاسد واقعی

قانون‌گذاری برای تکامل بشر از کارکردهای قرآن است. به اعتقاد علامه قرآن کتابی است که احکام و شریعتش برای انسان کافی است و انسان به بیشتر از آنچه که در قرآن آمده نیاز ندارد. از کارکردهای مهم در قرآن کریم، وضع بایدونبایدها برای نظم بخشی و اصلاح زندگی بشر است. علمه ضمن بیان ناکارآمدی عقل و کفایت نکردن آن در قانون‌گذاری به سبب تضادهای آن با تمایلات انسانی و تزامم قوانین با نیازهای بشر، وحی را تنها راه برای هدایت بشر معرفی می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۵۳: ج ۲، ص ۱۰۹)

علامه دو بحث اساسی را درباره وضع تقینی قرآن و اسلام بیان می‌کنند: بحث اول پاسخ ایشان به اینکه چرا قوانین و سنت‌های اسلامی آثار و نتایج فاسدی را در جوامع اسلامی داشته‌اند؟

پاسخ علامه این است که معیار خوبی و بدی قوانین را انطباق آن‌ها با حقیقت و عقل و فطرت می‌داند نه در پسند یا ناپسند مردم. پس اگر در جامعه‌ای به قانونی عمل نشود آسیب و اشکال متوجه قانون‌گذار و قانون نیست. حکم صالح و مصلح چیزی است و انسان فاسد و مفسد چیز دیگر.



بحث دوم علامه این است که قوانین و احکام اسلامی از نظر مبنا با دیگر قوانین اجتماعی که میان مردم حاکم است، تفاوت دارد. قوانین حاکم در اجتماع مردم با اختلاف زمان و تغییر مصالح، تغییر می کنند؛ ولی قوانین اسلامی هیچ گونه اختلاف و تبدیل در واجب و حرام و مستحب و... ندارند. (رک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۴، ص ۱۹۲ تا ۱۹۴)

علامه معتقد است که فسادهای جامعه اسلامی مستند به اسلام نیستند، زیرا اسلام در ذات خود بهترین قوانین را در اصلاح زندگی بشر طراحی کرده است. پس اسلام در حوزه قانون گذاری و طراحی نظام مبتنی بر مصالح، دارای بهترین نظام و شایسته مرجعیت است.

۲. شواهدی در آیات قرآن مبنی بر مرجعیت علمی قرآن

- جامعیت و کمال دین

علامه با توجه به آیه «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ...» اولئك هم

المُفْلِحُونَ» (اعراف / ۱۵۷)

بیان می کند ظاهر آیه دلالت دارد بر اینکه پنج موردی که در آن آمده مخصوص دین اسلام و موجب کمال این دین است که عبارت‌اند از ۱- امر به معروف ۲- نهی از منکر ۳- تحلیل طیبات ۴- تحریم خبائث ۵- برداشتن تکلیف شاق و غیر الهی.

از نگاه علامه قوانین وضع شده در هیچ دین و هیچ قانون اجتماعی به تفصیل قوانین اسلام نیستند و مانند آن به جزئیات نپرداخته‌اند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۸، ص ۲۸۱)

علامه همچنین در ذیل آیه ۱۴۵ اعراف و ۴۸ مائده، کامل نبودن دین مسیحیت و یهود را اثبات می کند و بر کمال دین اسلام تأکید می کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۱۴۷)

وی در بحث تاریخی درباره پیدایش علوم در میان علوم اسلام بیان می کند قرآن کریم هیچ شأنی از شئون انسان را رها نکرده است و هر انسانی در همه حال و در همه زمان‌ها



احکام خود را می‌داند و ایشان بیان می‌کنند در قرآن آیاتی است که انسان را به تفکر، تعقل، تدبر و تذکر دعوت می‌کنند و از این آیات فهمیده می‌شود که قرآن با علوم و صنعت‌های مرتبط با زندگی بشر همسانی دارد و هدف از تفکر و تعقل و ...، تشویق به شناخت خداست. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۵، ص ۲۷۱)

از این بیانات علامه می‌توان نتیجه گرفت که مراد از کمال دین همان هدایت و تشریح است که همین خود می‌تواند شاهدهی بر اعتقاد ایشان بر مرجعیت قرآن کریم در هدایت و تشریح باشد.

- رابطه قرآن با علوم

از مهم‌ترین شواهد در نوشته‌های علامه برای اثبات مرجعیت قرآن، مسئله پیوند قرآن و علم از نگاه ایشان است. علامه سه دسته از علوم که با قرآن ارتباط دارد، نام می‌برد:

۱- علمی است که انسان را دعوت به تعلیم و تعلّمی می‌کند که برای سعادت جامعه انسانی مفید است به شرطی که به حق و حقیقت منتهی شود و گرنه از نگاه قرآن آن علم مترادف با جهل می‌شود.

۲- مجموعه دانش‌هایی است از قبیل فنون تلاوت و قرائات مختلف، شمارش اعداد و کلمات و حروف، فنون رسم املاء قرآن و فن تفسیر.

۳- علمی که در سده‌های نخستین عصر اسلامی در میان امت اسلام پدیدار گشته‌اند که عبارت‌اند از حدیث، رجال، در آیه، اصول فقه، کلام، ادبیات، تاریخ. علامه حتی ارتقای علمی مانند فلسفه، طبیعیات و ریاضیات در عالم اسلام را مرهون انگیزه بخشی و دعوت قرآن کریم می‌داند. (طباطبایی، ۱۳۵۳: ص ۱۲۳-۱۲۹)



– چگونگی رجوع به قرآن در عمل علامه

گرچه در نوشته‌های علامه و اندیشه‌ایشان می‌توان با استناد به روش علمی خود علامه در مراجعه به قرآن، اعتماد ایشان را بر قدرت علمی و مرجعیت قرآن می‌توان پی برد ولی با توجه به شیوه وی در آثارشان از جمله المیزان و دیگر آثارشان چنین بر می‌آید که وی فارغ از اعتقاد یا عدم اعتقاد به مرجعیت قرآن، خود در فرایند معارف عقلی و شهودی، قرآن را میزان و معیار معرفت قرا داده است. روش وی در معرفت‌شناسی این‌گونه بود که مسائل مختلف علوم را اعم از فلسفه و عرفان را بر معارف قرآن عرضه می‌کند و هرچه مطابق بود، می‌پذیرد و هرچه مطابق نبود رها می‌کند.

این‌گونه صحت سنجی معارف به قرآن مهم‌ترین دلیل بر مرجعیت علمی قرآن کریم از منظر علامه می‌باشد که بیش از کاوش در نوشته‌هایش، از روش علمی ایشان به دست می‌آید. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ص ۱۷۴)

این در حالی است که علامه در مقدمه تفسیر المیزان، یکی از چالش‌های مهم برخی از مفسران در روش فهم از قرآن را در این می‌داند که آن‌ها هرچه از بحث‌های علمی و یا فلسفی به دست آورده‌اند، بر قرآن کریم تحمیل کرده‌اند، بدون اینکه آیات بر آن‌ها دلالت داشته باشند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۸)

۳. مبنا و کاردهای علمی قرآن از منظر رشید رضا

– دلایل درون‌متنی

در آموزه‌های دینی اعم از آیات و روایات مطالب فراوانی مبنی بر جامعیت دین اسلام و قرآن وجود دارد. رشیدرضا برای تبیین گسترده جامعیت قرآن اهتمام زیادی به دلایل درون‌متنی نشان داده است. (رشیدرضا، ج ۱، ۱۳۶۶ق: ص ۱۸)



وی با اشاره به آیه ذیل می نویسد:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» (مائده/۳)

این آیه با صراحت کامل به جامع بودن دین اسلام اشاره دارد.

همچنین با استناد به آیه «مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى... وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ» (یوسف / ۱۱۱)

یادآور می شود که بسیاری از مفسران با استفاده از این آیه قرآن را حاوی همه دانش‌های مورد نیاز بشر می‌دانند.

رشید رضا با استناد به آیه «نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَا نًا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل/۸۹) و آیات

۳۸ و ۵۹ سوره انعام، قرآن را کتابی جامع می‌داند. (رشید رضا، ۱۳۶۶ق: ج ۱، ص ۱۸)

رشید رضا ذیل این آیات به تشریح و تبیین این موضوع می‌پردازد که هر آنچه مربوط به شریعت است، در قرآن بیان شده است.

در تفسیر المنار علاوه بر این آیاتی که بیان شد که به طور صریح به گستره قرآن اشاره دارد، برای اثبات جامعیت قرآن به آیاتی دیگر نیز استدلال شده است که قرآن را عامل هدایت و درمان دردها، عامل نجات، دستگیری مطمئن و استوار معرفی می‌کند.

– رابطه هدف نزول قرآن با مرجعیت آن

در آیات و روایات متعددی به جامعیت قرآن اشاره شده است ولی تعیین مرزهای جامعیت قرآن تنها پس از واکاوی هدف نزول قرآن میسر خواهد بود.

در آیات بسیاری هدف از نزول قرآن بیان شده است. از جمله:

۱- هدایتگری

در برخی از آیات، قرآن به عنوان هادی و هدایتگر معرفی شده است مانند: «ذَلِكَ



الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» این کتاب که هیچ شکی در آن نیست، راهنمای پرهیزگاران است. (بقره/ ۲)

«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ»

ماه رمضان که در آن قرآن فرو فرستاده شده که راهنمایی برای مردم و نشانه‌های روشنی از رهنمونی (به راه راست) و جداکننده حق و باطل است. (بقره/ ۱۸۵)

و آیه ۵۲ سوره اعراف و آیه ۲ و ۳ سوره لقمان. هدایتگری اساسی‌ترین هدفی است که در قرآن برای کتاب‌های آسمانی بیان شده است.

رشیدرضا در تفسیر المنار با توجه به آیات یاد شده و مانند این‌ها، قرآن را کتاب هدایتگر برای جهانیان معرفی می‌کند. (رشید رضا، ۱۳۶۶ ق: ج ۱، ص ۱۸)

۲- تبیین و روشنگری

در آیه «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل/ ۴۴)

با حجت‌های روشن و کتاب‌های پندآموز (فرستادیم)؛

و این ذکر - یاد و پند قرآن - را به تو فرو فرستادیم تا برای مردم آنچه را که به سوی آنان فرو فرستاده شده است، روشن بیان کنی، تا شاید بیندیشند. تبیین پیامبران با دلایل آشکار همراه با کتاب‌های آسمانی را از اهداف بعثت و نزول وحی معرفی می‌کند.

۳- زدودن اختلاف‌ها

در آیه «مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ» (نحل/ ۶۴)

و ما این کتاب را بر تو فرو نفرستادیم مگر برای اینکه باورهای درست و کارهای نیکو را که مشرکان در آن اختلاف دارند، برای آنان بیان کنی و برای مردمی که ایمان می‌آورند، رهنمود و رحمتی باشد.



۴- هشدار و انذار

«مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَىٰ ۖ إِلَّا تَذَكَّرَ ۚ لِمَنْ يَخْشَىٰ»

ای پیامبر ما این قرآن را بر تو فرو نفرستادیم تا برای رساندن پیام آن به رنج آفتی، بلکه آن را فرو فرستادیم تا تذکری باشد برای کسی که از فرجام بی خبری می‌هراسد.
(طه / ۲-۳)

۵- رشد و شکوفایی

از دیگر اهداف نزول قرآن رشد انسان‌ها است که قرآن از زبان جنیان آن را بیان کرده است:

«قُلْ أَوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا ۖ إِلَيَّ الرَّشْدُ

فَأَمَّنَّا بِهِ»

بگو: به من وحی شده است که گروهی از پریان (به این قرآن) گوش فرا داشتند؛ پس گفتند که ما قرآنی شگفت-بسیار فصیح که مانند سخن بشر نیست- شنیدیم که به راه راست را می‌نماید؛ پس به آن ایمان آوردیم. (جن / ۱-۲)

با توجه به این آیات که اهداف نزول قرآن را بیان می‌کند، قرآن را کتابی جامع و کامل می‌دانیم، حالا این سؤال به وجود می‌آید که معنای هدایت از منظر قرآن چیست؟ که پاسخ به این پرسش معنای جامعیت قرآن را آشکار می‌کند، ولی مفسران پاسخ یکسانی به این سؤال ندادند. برخی از نو اندیشان مسلمان، رسالت دین و هدف بعثت پیامبران را تنها تبیین توحید و معاد و دعوت به آن‌ها می‌دانند. (بازرگان، ۱۳۸۸: ج ۱۷، ص ۲۶۵-۳۵۴)

پس با توجه به نظر این مفسران، جامعیت قرآن در راهنمایی انسان‌ها به توحید و معاد است و در این زمینه هیچ نکته‌ای را فروگذار نکرده است.



برخی دیگر از مفسران، هدف بعثت انبیاء را علاوه بر تبیین توحید و معاد، جهت‌دهی زندگی دنیایی نیز می‌دانند. (خمینی، ۱۳۸۸: ص ۳۱۲)

پس در نظر این‌ها جامعیت قرآن به این معنا است که در این کتاب الهی همه حقایق در مورد توحید و معاد و جهت‌دهی زندگی مادی بدون هیچ نقصی و کاستی بیان شده است.

از نظر رشید رضا هرگز هدف نزول قرآن را محدود به تبیین توحید و معاد نیست. وی معتقد است که در بسیاری از آموزه‌های قرآن اصلاح امور دنیا مورد توجه قرار گرفته است و برای اثبات سخن خود می‌نویسد که در بسیاری از سوره‌های مدنی مانند: سوره بقره، آل عمران، نساء، مائده، بدون هیچ ابهام و اجمالی، همه نیازهای انسان را بیان کرده‌اند؛ که این نیازها شامل احکام عملی در عبادات، معاملات شخصی و اجتماعی و احکام سیاسی و نظامی و اصول و قواعد حکومت اسلامی می‌شود. (رشید رضا، ۱۳۵۳: ج ۱، ص ۲۸)

وی بر اساس مبنای خود درباره جامعیت و مرجعیت قرآن از اهداف پنج‌گانه قرآن سخن گفته است و این اهداف را چنین معرفی می‌کند:

۱- اصلاح فردی و جامعه اسلامی

۲- قرار دادن انسان‌ها در مسیر رشد

۳- ایجاد وحدت میان انسان‌ها در جامعه

۴- رشد اندیشه انسان؛ ۵. تزکیه نفوس انسانی. (رشیدرضا، ۱۳۶۶: ج ۱، ص ۱۷۱)

از منظر رشید رضا قرآن کتاب تعلیم و تربیت است، نه فقط کتاب تعلیم و برای تبیین گستره تربیتی قرآن به آیه «هُوَ الَّذِي فِي الْأَمِينِ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ

وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَ...» (جمعه/ ۲) اشاره می‌کند.



وی همچنین علت تکرار در آیات قرآن را هم یکی از دلایل اثبات بعد تربیتی قرآن می‌داند و می‌نویسد که در دیگر کتاب‌های تعلیمی که با انگیزه آموزش تدوین شده‌اند یک مسئله فقط یک‌بار بیان شده است. (تفسیر المنار، ۱۳۶۶ق: ج ۲، ص ۴۵۱)

رشید رضا می‌کوشد با تقسیم آموزه‌های دینی به سه حوزه عقاید، احکام عبادی و معاملات و افزودن برنامه ریزی و مدیریت اسلامی به مجموعه عرصه‌های سه‌گانه، جامعیت و کمال دین را تبیین کند. (رشیدرضا، ۱۳۶۶ق: ج ۶، ص ۱۵۷-۱۶۷)

رشید رضا در تفسیر المنار از رهگذر مباحث اخلاقی و تربیتی به اثبات جامعیت قرآن پرداخته است و می‌نویسد در قرآن تمام اصول و قواعد مورد نیاز عقل، نفس و اخلاق به وضوح دیده می‌شود و هرکس در آیات قرآن تدبر کند همه حکمت‌ها و فضیلت‌ها را در وجود خود پیدا می‌کند. (رشیدرضا، ۱۳۶۶ق: ج ۱۲، ص ۱۸۰)

وی همچنین ذیل آیه ۳۸ سوره انعام به تحلیل و گستره علمی قرآن پرداخته است و می‌نویسد منظور از کتاب در این آیه قرآن است هرچند نمی‌توان شمول «مَافَرَطْنَا» را در این آیه انکار کرد ولی با توجه به هدف نزول قرآن که هدایت انسان‌ها است می‌توان این شمول را به عرصه هدایت محدود کرد بنابراین معنای آیه این‌گونه می‌شود که:

«ما چیزی در کتاب (قرآن) از مسائل هدایت مانند اصول دین، قواعد کلی، احکام، حکمت‌ها و ارشاد به بهره‌گیری از نیروی بدنی و عقلی را فروگذار نکردیم.»

رشید رضا در تبیین «کمال و تمامیت دین» -ذیل آیه ۳ مائده- خود را پیرو نظریه تفسیری ابن عباس می‌داند؛ ابن عباس مفهوم دین در آیه اکمال را آمیزه‌ای از عقاید، احکام و آداب (عبادات و معاملات) می‌داند که بسیاری از مفسران نیز این نظریه را پذیرفته‌اند.



رشید رضا در پاسخ به این شبهه که «اگر قرآن تبیان هر چیزی است، چرا بسیاری از احکام و مسائل در این کتاب بیان نشده است» (وی با تقسیم مسائل دینی به باورها، احکام عبادی و معاملات و افزودن مدیریت اسلامی به سه رکن اساسی یاد شده، تلاش می کند نشان بدهد که جامعیت و کمال به مجموعه دین مربوط می شود، نه وجود تفصیلی و بالفعل همه احکام و مسائل جزئی در قرآن. او با استناد به برخی آموزه های حقوقی و سیاسی قرآن به شرح و بسط مسئله مرجعیت قرآن و گستره آن پرداخته و سیاست حکومت را از جمله دانش هایی می داند که در قرآن از آن سخن به میان آمده است. (رشیدرضا، ۱۳۶۶ق: ج ۷، ص ۳۹۵)

به همین دلیل است که فرزندان مخصوصاً دختران در اثر تنهایی و دوری از خانواده و نداشتن یک مربی دلسوز و تماس با جوانان منحرف به انواع مفسد آلوده می شوند. (بافکار، ۱۳۸۰: ص ۵۶-۵۷)

نتیجه بحث

با توجه به تعریف پیش گفته از «مرجعیت علمی قرآن» و اینکه قرآن ابر اندیشه ای است که معیار صحت یا عدم صحت دیگر اندیشه ها است و نیز با بررسی نظر این دو مفسر قرآن کریم، متوجه می شویم در خیلی از موارد، نظر آن دو درباره مرجعیت علمی قرآن مشترک است از جمله: مرجعیت علمی قرآن درباره تربیت انسان ها و روش های تربیتی که قرآن در آیاتش بیان کرده است ناب است و در هیچ یک از نظر حکما و بزرگان نظیری ندارد و همچنین درباره بعد هدایتگری و جامعیت بودن قرآن و زودن اختلاف هایی که بین افراد است نظر هر دو مفسر یکی است که قرآن در این موارد دستورات ناب و جامعی دارد.



ولی از نظر مصداق و مثال آیات برای این مواردی که برای مرجعیت علمی قرآن آوردند آیات متفاوتی را بیان کردند. در مورد نظر علامه هرچند با توجه به بررسی و بازشناسی کارکردهای علمی قرآن در اعتقاد ایشان می‌توان مرجعیت علمی قرآن را به اموری که در بالا بیان شد بدانیم؛ اما همچنان به نظر می‌رسد نتوان از اندیشه وی به مرجعیت تمام عیار علمی قرآن کریم به عنوان ابر اندیشه در حوزه‌های معرفتی و دانشی بشر دست پیدا کرد. با بررسی‌های انجام شده در دیدگاه علامه درباره مسئله مرجعیت علمی قرآن کریم، متوجه می‌شویم که ایشان نیز مانند دیگر اندیشمندان اسلامی معتقد به مرجعیت علمی قرآن هستند؛ ولی این مرجعیت نسبی هست نه مطلق.

اما نظر رشید رضا صاحب «تفسیر المنار» در مورد مرجعیت علمی قرآن کریم این است که قرآن هر آنچه را که مربوط به دین و شریعت بوده است مثل توحید و معاد و قواعد و اصول کلی احکام و عبادات را بیان کرده است ولی جزئیات و فروع را بیان نکرده است. و هر کس به قرآن آگاهی داشته باشد، به شریعت نیز آگاه است.

وی قرآن را کتاب هدایت برای جهانیان معرفی می‌کند و معتقد است که قرآن مشتمل بر دین و هدایت جهانیان و بیان آن چیزی است که موجب اصلاح و سامان بخشی امور دنیا و سعادت و رستگاری جهان آخرت می‌شود در صورتی که انسان آگاه دستورات آن را بشناسد و به آن‌ها عمل کند.

پس در نتیجه رشیدرضا مرجعیت علمی قرآن کریم را در امور کلی می‌داند نه در تمام علوم و دانش‌ها. بلکه می‌گوید اگر کسی آگاه به قرآن باشد علوم دیگر را نیز متوجه می‌شود؛ اما علامه بحث مستقلی درباره این موضوع ندارند؛ اما اهمیت و مسئله و موضوعات مرتبط با جامعیت و پاسخگویی قرآن به آن‌ها موجب شده است که علامه ذیل مباحث تفسیری، دیدگاه خود را با ادبیات متفاوت در این باره روشن کند.



فهرست منابع و مآخذ

* قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دارصادر.
۲. ابن فارس، احمد، معجم المقایس اللغه؛ بیروت: دارالجیل.
۳. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.
۴. بازرگان، مهدی، ۱۳۸۸، مجموعه آثار بعثت (۲)، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۵. جوادی آملی، عبدالله، شمس الوحي تبریزی، چاپ ۱۳۸۶، مرکز نشر اسرا.
۶. خمینی، روح الله، کشف الاسرار، چاپ ۱۳۷۸، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۷. رشیدرضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت: دارالمعرفه. ۱۳۶۶ ه.ق
۸. رضایی اصفهانی، محمد علی، ترجمه قرآن کریم، قم: مرکز تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر.
۹. سروش، عبدالکریم، ۱۳۷۳، قبض و بسط تئوریک شریعت، تهران: موسسه فرهنگی.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین، بررسی های اسلامی، قم: بوستان کتاب.
۱۱. طباطبایی، محمد حسین، قرآن در اسلام، قم: بوستان کتاب. ۱۳۵۳
۱۲. طباطبایی، محمد حسین، بررسی های اسلامی، به کوشش: سید هادی خسرو شاهی، قم: بوستان کتاب.
۱۳. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ۱۳۷۴
۱۴. لويس معلوف، المنجد، ۱۳۸۰، انتشارات ذوی القربی.
۱۵. مصطفوی، حسن، التحقیق فی الکلمات القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۳۵۳

